

حدیث عاشقی

«عشق و محبت خداوند در احادیث قدسی و قرآن مجید»

مرتضی ہاشمی پور

سرشناسه	: هاشمی پور، مرتضی، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور	: حدیث عاشقی / مرتضی هاشمی پور
مشخصات نشر	: قم: طلیعه سبز، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۴ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۵۵-۲۵-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب‌نامه به صورت زیر نویس
موضوع	: دوستی (اسلام)- احادیث
موضوع	: دوستی (اسلام)- جنبه‌های قرآنی
رده بندی دکنکر	: ۱۳۹۰ ح ۸۷-۱۰۴/۲ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۴۹۳۰۷

حدیث عاشقی

نویسنده: مرتضی هاشمی پور

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: منیژه گلستانی

ناشر: طلیعه سبز ۰۹۱۲۷۵۰۶۵۳۶

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۳۷۰۰ تومان

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

۱۱ مقدمه

فصل اول، عشق و محبت

۱۵ وصف عشق

۱۷ عشق چیست؟

۲۰ آتش عشق خداوند

۲۲ آثار عشق

۲۷ قسم می‌خورم دوستت دارم

۳۲ عشق بنده و خدا

۳۳ اکسیر محبت

۳۴ همگانی بودن عشق

- ۳۶..... شما باید مقربان
- ۳۷..... محبت مجازی
- ۳۸..... معشوق در انتظار عاشق
- ۴۰..... عاقبت رویگردانی از معشوق
- ۴۲..... وصال حق
- ۴۳..... معصیت کاران از درگاه من نا امید نشوند
- ۴۸..... تو را آمرزیدم
- ۴۸..... خوش گمانی به خدا
- ۵۱..... فضل و رحمت بیکران الهی
- ۵۱..... شناخت و محبت؛ پایه دیگر عشق
- ۵۴..... خدایا ... مرگ فرزندم را برسان!
- ۵۶..... خدا و مرد آتش پرست
- ۵۸..... ابراهیم خلیل علیه السلام و محبت و معرفت خدا

فصل دوم: یاد معشوق (یاد خدا)

- ۶۱..... تلاش مورچه برای رسیدن به معشوق!
- ۶۲..... مرا در ضمیرت یاد کن
- ۶۶..... پیر زن و یاد خدا
- ۶۹..... پاداش صالحان

۷۲	 دلباختگان و یاد معشوق
۷۴	 علاقه معشوق به دعای عاشق
۷۵	 فقیر و مریض واقعی کیست؟
۷۷	 راضی به تقدیر الهی
۸۰	 دوستی خداوند

فصل سوم: راز و نیاز با معشوق

۸۳	 نماز شب، علامت آشکار عشق
۸۷	 نماز، محبوب دل‌های عاشق
۸۹	 وعده وصل
۹۰	 نماز شب؛ راز به دست آوردن دنیا و آخرت
۹۰	 تعطیلی درس برای نماز شب
۹۱	 با دوستان من دوست باشید
۹۶	 علف گوسفندت را از من بخواه!
۹۶	 با من خوش باش
۹۸	 در مقام طلب
۱۰۰	 گریه عاشق
۱۰۲	 شیفته عشق
۱۰۳	 داستان دلبران

- چرا از من خبر نمی‌گیری؟ ۱۰۴
- تو خود هم حبیب و هم محبوب هستی ۱۰۵
- صفات محبین ۱۰۶
- مناجات محبین ۱۰۹
- زیادی مال گاهی غضب است ۱۱۵
- غرق در عشق ۱۱۶

فصل چهارم: شوق چیست، مشتاق کیست

- حقیقت شوق به خدا ۱۱۹
- خندان از شوق وصال ۱۲۷
- شوق، یکی از ارکان ایمان ۱۲۹
- مشتاق محبوب ۱۳۰
- شب و روز با بنده ام مناجات می‌کنم ۱۳۱
- شیرینی محبت ۱۳۴
- من مشتاق بنده ام هستم ۱۳۹

فصل پنجم: محبت و مناجات

- کسب صفات الهی ۱۴۸
- مطیع بنده ام می‌شوم ۱۵۱

۱۵۳	 حکایت یک حمال
۱۵۵	 من برای دوستانم هستم
۱۵۹	 آن کس که تو را شناخت جان را چه کند
۱۶۵	 همه هستی برای بنده‌ام
۱۶۶	 خودشناسی، پایه عشق
۱۶۹	 ختامه مسک
۱۷۲	 مناظره عقل و عشق
۱۷۸	 جمع‌بندی و نتیجه بحث

مقدمه

عشق آغاز تجلیات الهی و روده همیشه جاری در ریشه هستی است و خداوند، بقای عالم را بر آن استوار کرده است.

عشق، چشیدنی و شهودی است نه شهیدنی و گفتنی؛ اما می‌توان آن را با زبان حکمت و فلسفه بیان کرد.

همیشه رسیدن به بالاترین مقام معرفت، از اهداف انسان‌های عارف و بزرگ بوده است. عارفان وارسته و سالکان طریقت، همان کسانی‌اند که حقیقت را دریافته و عشق را شیرازه جهان هستی دانسته‌اند و راه و مرام شان بر این اصل بنیان نهاده شده است که عالم بر دایره عشق استوار است. اینان، راز جهان آفرینش و آغاز پیدایش کاینات را عشق و حب خداوند متعال می‌دانند.

در حدیثی آمده است که داوود نبی علیه السلام علت آفرینش و راز خلقت را

سؤال می‌کند، آن گاه خداوند عزوجل می‌فرماید:

«كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِئاً، فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيَّ أُعْرَفَ»^۱

ای داوود من گنج پنهانی بودم، دوست داشتم شناخته شوم، پدیده‌ها را پدید آوردم تا شناخته شوم. (مهم‌ترین موجودی که خداوند را به وجه احسن به تمام عالمیان از زمینیان و آسمانیان معرفی می‌کند، انسان است.) خداوند متعال، دوستی و عشق را کلید عالم هستی بیان کرده؛ بنابراین عشق منشأ پیدایش خلقت بوده و اگر عشق نمی‌بود، آفرینشی چنین وجود نداشت.

بنابراین اگر این عشق و محبت نبود، هیچ موجودی به وجود نمی‌آمد. امام خمینی رحمته الله نیز این گونه می‌فرماید:

«وَلَوْلَا ذَلِكَ الْحُبُّ لَمَا يُظْهَرُ مَوْجُودٌ مِنَ الْمَوْجُودَاتِ وَلَا يَصِلُ أَحَدٌ إِلَى كَمَالٍ مِنَ الْكَمَالَاتِ فَإِنَّ بِالْعَشْقِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ»^۲؛ اگر این حب (یعنی حب ذاتی خداوند متعال) نمی‌بود، هیچ موجودی از موجودات ظهور نمی‌یافت و هیچ کس به کمال نمی‌رسید، پس به درستی که آسمان‌ها با عشق برپا شده‌اند.

بنابراین از نظر امام خمینی رحمته الله نیز عشق در ظهور و بقای هر چیز مؤثر است و امام خمینی در دیوان شان بسیار زیبا و پر محتوا به وجود عشق اشاره کرده و فرموده‌اند:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۹۹.

۲. مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، ص ۷۱.

من چه گویم که جهان نیست به جز پرتو عشق

ذوالجلالی است که بر دهر و زمان، حاکم اوست^۱

و در غزل دیگری سروده‌اند:

ساکنان در میخانه عشقیم مدام

از ازل مست از آن طرفه سبوییم همه^۲

پس، عشق علاوه بر منشأ بودنش در خلقت، عامل هدایت و به کمال رسیدن موجودات نیز هست؛ در نتیجه، حرکت از مبدأ تا مقصد به واسطه و انگیزه عشق میسر است؛ زیرا انسان به طور فطری عاشق کمال مطلق است.

انسان باید به این نکته طریف دست یابد که او همچون عاشقی در مسیر عشق قرار گرفته و دارد به معشوقش نزدیک می‌شود و چنان در جذبه عشق فرو رود که دنیا برای او چون عشق جلوه گر شود.

عالم عشق است هر جا بنگری از پست و بالا

سایه عشقم که خود پیدا و پنهانی ندارم

هر چه گوید عشق گوید هر چه سازد عشق سازد

من چه گویم، من چه سازم من که فرمانی ندارم^۳

۱. دیوان امام، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۱۷۹.

۳. همان، ص ۱۰۵.

پس با عشق می‌توان به مقصد رسید و به توحید رهنمون شد.

عین القضاء همدانی نیز انسان‌هایی را که بدون عشق زندگی می‌کنند به انسان‌های خود رأی تعبیر کرده است. وی آرزو می‌کندای کاش همه انسان‌ها عاشق بودند تا برای همیشه زنده و با درد عشق زندگی می‌کردند.^۱ طفیل هستی عشقند آدمی و پری ارادتی بنما تا سعادتی ببری اثر حاضر، موضوع عشق و محبت را در فرازهایی، پی‌گیری می‌کند با این تذکر که:

بحث ما درباره عشق و محبت بر اساس احادیث قدسی و نیز سخنان و حکایت‌هایی از اولیا و انبیای الهی است. هم چنین سعی شده از آیات قرآن مجید که مکمل و مویّد احادیث قدسی است استفاده شود. امید است که خواننده عزیز از این اثر بهره کافی ببرد؛ ان شاء الله تعالی.

مرتضی هاشمی

عید قربان ۱۴۳۲ هـ ق / ۱۶ آبان ۱۳۹۰ ش